

پدیده ضد ارزش بی حجابی و بد حجابی

- چرا اینقدر از بد حجابی حرف می‌زنید؟!
- مگر مسئله‌ای دیگر ندارید که درباره آن حرف
بزنید؟!

- مگر همه مسائل اجتماعی ما حل شده که این
یکی باقی مانده باشد؟

- آیا بحرانهای اقتصادی، گران، تورم،
چند نرخ، بازار سیاه، احتکار، سوء استفاده،
تبعیض، رشا و ارتشاء، نابسامانیهای اداری و
نارضائی نرانشی های شبانه روزی عده‌ای ندانم کار یا
بیمار، مواد مخدر و مسایل دیگر اخلاقی، مسائل
جامعه ما نیستند؟ چرا آنها را در اولویت قرار
نمی‌دهید؟ ...

اینها و امثال اینها پرشمانی هستند که در
برابر مسئله حجاب و بد حجابی، از سوی عده‌ای
مطرح می‌شوند.

این پرشها یک پاسخ اجمالی دارد و یک
پاسخ تفصیلی:

پاسخ اجمالی اینکه:

نگران نباشید! زیرا که ما طبق معمول، از
این مسئله «حرف» می‌زنیم و بیش از این کاری
نمی‌کنیم که خدای نخواستہ موجب ملامت
خاطر مبارک! زنان بد حجاب و طرفداران آنها را
فراهم کنیم. بنابراین از این حرفها و شعارهای
موسمی و تهدیدها، وعده و وعیدها، چندان دلهره
و واہمه بخود راه ندهند!! حال بگذارد در کنار
سایر «حرف‌ها» از این مقوله نیز حرفی زده شود.
و اما پاسخ تفصیلی که واقعاً بخواهیم به
گره گشائی این معضل و ریشه یابی و ارائه راه حل

در این مسئله بپردازیم تا از یکسو توجیه منطقی
طرح مسئله بد حجابی که یکی از مظاهر
ضد ارزشی اخلاقی و رفتاری است، روشن شود
و از سوسوی دیگر ضمن طرح مسئله و کاوش و
تحقیق در پیرامون آن، راه‌حلهای و پیشنهاداتی ارائه
گردد.

در این زمینه موارد ذیل را می‌نگریم:

۱- مسائل مطروحه در بند اخیر سوالات (که
هر یک نقش فراوان در سرنوشت اجتماعی و
حتی سیاسی ما دارد و بیس توجیهی به آن عواقب
نامطلوبی را به بار خواهد آورد)، هر کدام شایان
تأمل و بررسی است و طرح مسئله بد حجابی در
محیط کنونی ما بدون معنی نیست که مسائل
فوق الذکر فراموش و یا حل شده است. زیرا هر
مسئله جای خود را دارد که بحث از آن
بی نیازکننده از بحث سایر مسائل نیست. به اضافه
آنکه مسئله بد حجابی و بدتر از آن لجام
گسیختگی گروهی از زنان در محیط انقلابی ما
از اولویت خاص برخوردار است. و علل و عوامل
و انگیزه‌ها و اهداف و آماری دارد که به سادگی
نمی‌توان از کنار آن بی تفاوت گذشت.

ما مواد مخدر را خطرناک توصیف می‌کنیم
و صحیح است ولسی آیا هوسبازی و
لجام گسیختگی تعدادی از زنان، گناه و عامل
انحراف و نموداری از فرهنگ منحط ابتذال و
متأثر از فرهنگ اجنبی نیست؟! بنابراین با
هر دوی اینها باید به مبارزه برخاست. و علل و
آثار و راه‌حلهایش را به بحث و بررسی نهاد. و یا
مشکل ابتذال و سوء رفتار زن و چهره‌های

هوس انگیز و مفسده خیز آنان، آیا از مسئله
احتکار و تورم کمتر زیانبار است؟ بنابراین به
حل هر دو معضل باید پرداخت که هر یک در
جای خود خطرناکند. و همچنین در مقایسه با
مسائل دیگر باید اعتراف کرد که مسئله
بد حجابی و علل و آثار آن یکی از بیماریهای
جامعه است که ضرورتاً علاج آن نیاز به بحث و
مطالعه و بررسی دارد.

۲- زنان نیمی از جمعیت بشر را تشکیل
می‌دهند. جمعیتی که گردانندگان چرخ حیات
در خانه و حتی در بخش عظیمی از جامعه
می‌باشند بعلاوه نقش و تأثیر وجودی آنان بر
مردان، کودکان و جوانان انکارناپذیر است. در
یک قتل فرانسوی است که در هر حادثه از
حوادث اجتماعی می‌گویند: «زنان را قتلش
کنید!» یعنی علت‌العلل حوادث اجتماعی را در
وجود زنان بجوئید. در آثار و امثال از نقش
وجودی زن بسیار صحبت شده بدین مضمون که
صلاح و فساد زن در سرنوشت فرد و جامعه اثر
انکارناپذیر دارد.

بر این اساس نمی‌توان رفتار زنان یک جامعه
را نادیده گرفت. فرهنگ و تفکر، اخلاق و
تربیت، رفتار و حرکات زنان، تأثیر مستقیم بر
کل اخلاق و رفتار جامعه دارد. در این رابطه،
گرچه مسئله حجاب در نگاه اولیه جزئی و
سطحی می‌نماید و شاید بعضی‌ها چندان مایل
نباشند روی مسئله بد حجابی خیلی جزو بحث شود و
مسائلی از آن مهمتر و ضروری تر جهت طرح
بدانند و بلکه قابل اغماض تلقی کنند!، اما باید

خاطر نشان ساخت که نمای ظاهری هر انسان نموداری از تفکر، اعتقاد و اخلاق او است. بنابراین چهره انسان از درون سالم یا ناسالم وی حکایت دارد. و بقول معروف: «از کوزه همان برون تراود که در اوست» و «رنگ رخساره نشان میدهد از سر ضمیر». بی شک بی حجایی یا بد حجایی و حرکات ظاهری زن نیز از این قاعده مستثنی نیست بلکه نمای ظاهری، تابلویی است که از سطح فکر، اعتقاد و اخلاق و سیستم رفتاری زن حکایت دارد. به عبارت دیگر: اگر از روحیات یک زن فاکتور گرفته شود می تواند در پوشش، حرکات، گفتار، تماسها و رفتارها و تیپ و آرایش وی خلاصه گردد.

محال است یک زن از تقوی و طهارت کلی برخوردار باشد و در عین حال تاب مستوری نداشته باشد و برای خود نمایی از دریا روزن سر برون آرد. و برای جذب جنس مخالف بطور غیر مشروع خود را بیاراید و دل فریبی پیشه کند. همانگونه که زن بی اعتقاد یا سست ایمان و ضعیف الاخلاق امکان ندارد بطور طبیعی ظاهری آراسته به اخلاق و رفتار نیکو داشته باشد. این توضیحات که در جای خود از واضحات است برای تذکر این مطلب کافی است که حجاب و بد حجایی نباید بطور مجرد و جدای از عقیده و اندیشه و اخلاق و سایر رفتارهای زن مورد ارزیابی قرار گیرد. و گرنه دآوری درباره آن واقع بینانه نخواهد بود.

۳. مسأله حجاب و بد حجایی به عنوان سبیل تعهد و عدم تعهد به اصول و مقدسات و معتقدات و ارزشهای پذیرفته شده در فرهنگ اسلامی حاکم بر محیط ما مطرح است و نه تنها به عنوان یک نقطه قوت یا ضعف رفتاری فردی، برداشتی که تلقی عمومی از یک زن مسلمان و با حجاب و پایند به مقدسات دارد با تلقی از رفتار یک زن بی حجاب یا بد حجاب، کاملاً متفاوت است.

تلقی عرفی و عمومی ما، زن مسلمان را نماینده فرهنگ محیط خود و عنصری وفادار به مکتب و احکام الهی میدانند و او را همسوی با نظام اسلامی و در راستای اهداف انقلاب می شناسند. در حالیکه زن بی حجاب و بد حجاب را نماینده

فرهنگ غربی و ارائه دهنده راه و رسم پس مانده از طاغوت و بی اعتنا به احکام شریعت و کارگزار اهداف دشمنان انقلاب می شناسند. به همین دلیل مسأله حجاب و کشف حجاب طول هفتاد سال حکومت رژیم فاسد پیشین همواره دو قطب متضاد در فکر و اعتقاد و اخلاق را نمودار ساخته است. و زنان مسلمان ما در سخت ترین شرایط حاکم بر محیط دست از حجاب مقدس خویش نکشیده و به اسلام و شعار اسلامی وفادار ماندند تا در صحنه انقلاب ایمان و اخلاص و ارادت خویش را نسبت به پیامبر و اوصیای او علیهم السلام و فقها و رهبران فضیلت و جهاد متجلی ساختند و استقلال و شخصیت فرهنگی خود را اثبات کردند و به فرموده امام عظیم الشان و قیدمان:

«زنان در انقلاب پشروان و طلایه دارانی بودند که از مردان گوی سبقت ربودند و اینار و از خود گذشتگی و عنصر فداکاری را در همه صحنه ها به ویژه جنگ تحمیلی به نمایش گذاشته و همانان بودند که نماینده واقعی زن ایرانی و نمودار چهره انقلاب و سبیل شخصیت زن در صحنه بین المللی شدند و آثار اندیشه اسلامی و انقلابی شان را در خارج کشور و در دانشگاههای دنیا در سیمای زنان با حجاب نمودار ساختند».

امروز نه تنها در کشور ما بلکه در سطح جهان حجاب زن به عنوان اصلیت شخصیت و استقلال و آزاد اندیشی، نه وابستگی و شخصیت غرومکتبی مطرح است و این است که دشمنان انقلاب و کارگزاران استکبار را عصبانی کرده و به واکنشهایی از قبیل ممنوعیت حجاب در دانشگاهها در کشورهایمانند مصر و ترکیه و فرانسه و... نمودار گشته است. اگر حجاب نقش سبلیک نداشت قطعاً چنین واکنشهایی را به دنبال نمی آورد...

این بود وضع حجاب و موضع زنان با حجاب ما طی سالیان حاکمیت طاغوت و قبل و بعد از انقلاب و برای همیشه تاریخ.

درست نقطه مقابل اینان زنانی بودند که به پیروی از منویات پلید استکبار و مهره های فاسدشان، رضاخان و پسرش، در طول دهها سال

دامن عقیف زن را لکه دار ساختند و با انواع پلیدیها از جمله بی حجایی و فرهنگ برهنگی به مقدسات پشت پا زدند و در هر فساد شعله افروختند و زشت ترین مناظر را در ملاء عام نمایش دادند و بیالآخره پس از انقلاب که این سد ابلیسی شکسته شد و اینان با پذیرش وضع موجود بعضاً تغییر ماهیت داده و واقعاً به راه اسلام بازگشتند و بعضاً صورتی ناقص از حجاب را پذیرفته و بر منویات خود باقی ماندند. و چون نمی توانستند همچون گذشته در محیط ظاهر شوند همسویی خویش را با بیگانه و لجام گسیختگی خود را با بد حجایی و حرکات زننده دیگر نمایش دادند. برای این عده پذیرش این مقدار از حجاب در حد یک سراننداز ناقص و زلفهای افشان و آرایشهای تند و لباسهای مخصوص و حرکات جلف و بعضاً رفتارهای خلاف عفت در برده و همکاری با باندهای فساد جز جبر مفهومی دیگر ندارد. و هم اینان با بی حرمتی به ارزشهای انقلاب و دهن کچی به عواطف میلیونها مسلمان اینارگر که صاحبان اصلی این انقلابند هر روز به نوعی تغییر قیافه میدهند و هر لحظه به شکل بت عیار در می آیند و با حرکات هدایت شده از سوی دشمنان به مقدسات و مقررات بی حرمتی می کنند و چون در مقابل، با مانی برخورد نمی کنند در داخل و خارج کشور به آبروریزی و اعمال شرم آوردست می زنند. و در برابر شعارهای موسمی و موجهای گذرا مصونیت پیدا کرده اند و بالاخره وضع اینان چون غده سرطانی دیگر فساد، پیکره منزه و پاک جامعه را تهدید می کند و افکارشان به محیطهای آموزشی و فرهنگی نیز سرایت می کند و اگر نه چندان بسیارند ولی چون ویروسها که تولید مثل می کنند و اگر جامعه واکسینه نشود تأثیرشان گسترده تر شده و غیرقابل اجتناب میگردد.

با دلالت فوق مسئله بی حجایی را نباید ساده انگاشت و عادی تلقی کرد. در این سلسله مقالات بر آنیم که در یک ریشه یابی به علل بد حجایی در این روزها بپردازیم و پیشنهادات و راه حلهایی را مورد بررسی قرار دهیم و از صاحب نظران می خواهیم راه حلها و نظرات خود را با ما در میان گذارند.